

نقدی بر کتاب درس‌گفتارهای اقتصاد مقاومتی مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری

اله‌مراد سیف*

چکیده

طرح ایده اقتصاد مقاومتی از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی و درخواست ایشان برای تبیین این ایده توسط دانشجویان، اگرچه تلاش‌های زیادی را از سال ۱۳۸۹ تا کنون برانگیخته و محصولات متعددی در قالب کتاب، مقالات علمی و سخنرانی‌ها انتشار یافته، لیکن سوال اساسی آن است که نظریه پردازی در موضوع اقتصاد مقاومتی تا چه اندازه با موفقیت همراه بوده است؟ این مقاله، پاسخ سوال را با تمرکز بر کتاب «درس‌گفتارهای اقتصاد مقاومتی» اثر عادل پیغامی کنکاش نموده و نشان داده است که هنوز زمینه‌های بسیاری وجود دارند که در نظریه پردازی اقتصاد مقاومتی مبهم باقی مانده است. ابتدا معرفی و نقد کلی اثر در قالب هر یک از فصول کتاب انجام شده است. آنگاه، در نقد موضوعی اثر، عناوین هشت گانه‌ای شامل تعریف اقتصاد مقاومتی، دولت و بازار، مردم پایه کردن اقتصاد، تولید داخلی و تولید ملی، خرده نظام‌های اقتصاد مقاومتی، نسبی یا مطلق بودن اقتصاد مقاوم، استقلال اقتصادی و نیز رشد و عدالت مورد کنکاش قرار گرفته است. در هر یک از این موضوعات، نشان داده شده است که نکات مهمی وجود دارند که در آثار منتشره اقتصاد مقاومتی و به طور خاص، در کتاب مورد بررسی، کمتر مورد توجه بوده اند.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، تولید داخلی، تولید ملی، اقتصاد مردمی، استقلال اقتصادی، رشد، عدالت.

۱. مقدمه

گرچه در دهه‌های اخیر و به ویژه پس از بحران مالی ۱۹۹۷ شرق آسیا مقاوم سازی اقتصادی در ادبیات اقتصادی جهان با عناوینی همچون تاب آوری اقتصادی مورد اشاره قرار

* دانشیار اقتصاد، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، seif.1338@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

گرفته، لیکن اصطلاح «اقتصاد مقاومتی» با عمق مفهومی ویژه خود را تنها باید به اندیشه اسلام ناب امام خمینی (قُدِّسَ سِرُّهُ) و مقام معظم رهبری (دامَ عِزُّهُ) انتساب داد و برآمده از فرهنگ غنی انقلاب اسلامی و هم پیوند با فرهنگ مقاومت که از نوآوری‌های طلایی برآمده از تاریخ دفاع مقدس می‌باشد دانست. ضرورت پرداختن به اقتصاد مقاومتی از یک سو، برطرف کردن چالش‌های اقتصادی ناشی از آسیب‌پذیری داخلی و یا خصومت شیطانی استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و از سوی دیگر پی ریزی سنگ بنای یک نظام و الگوی اقتصادی الهام بخش برای همه ملل ستم دیده و تحت سیطره در عصر حاضر است. (سیف، ۱۳۹۵: ۱۹)

«اقتصاد مقاومتی» که به‌عنوان برنامه‌ای برای درمان مشکلات اقتصادی کشور از جانب مقام معظم رهبری مطرح شده، تبلور همان اهداف و آرمان‌هایی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و فرمایشات امام راحل (ره) به‌روشنی دیده می‌شود^۱ و باید در افق و دورنمای سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌های اجرایی و عملیاتی مستخرج از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، این اهداف و آرمان‌ها مدنظر قرار گیرند. در یک تعبیر ساده، «اقتصاد مقاومتی» به ایجاد شرایط پایدار در رشد تولید ملی و رفاه عمومی در شرایطی اشاره دارد که رویدادهای مخاطره‌آفرین و نیز تکانه‌های سیاست ساخته از جانب قدرت‌های نظام سلطه می‌توانند با تحلیل بردن ظرفیت‌های رفاه ملی، امنیت انسانی و امنیت اقتصادی و از آن طریق امنیت ملی را به خطر اندازند. این مفهوم شامل تحقق شرایطی است که اقتصاد کشور را همزمان به درجه قابل قبولی از کارآمدی، تاب‌آوری و پویایی اقتصادی می‌رساند.

طرح ایده اقتصاد مقاومتی از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی و درخواست ایشان برای تبیین این ایده توسط دانشگاهیان تلاش‌های زیادی را از سال ۱۳۸۹ تا کنون برانگیخته، لیکن جای این سوال باقی است که چه میزان نظریه پردازی در موضوع اقتصاد مقاومتی با موفقیت همراه بوده است؟ این مقاله با تمرکز بر کتاب «درس‌گفتارهای اقتصاد مقاومتی» اثر عادل پیغامی، نشان داده است که هنوز زمینه‌های بسیاری وجود دارند که در نظریه پردازی اقتصاد مقاومتی مبهم باقی مانده است. در ادامه مقاله، به نقد و ارزیابی کتاب مذکور پرداخته خواهد شد. در بخش دوم، معرفی و نقد کلی اثر آمده و مطالب برجسته هر یک از فصول مورد اشاره قرار گرفته است. در بخش سوم، نقد موضوعی اثر در قالب هشت عنوان مهم شامل تعریف اقتصاد مقاومتی، دولت و بازار، مردم پایه کردن اقتصاد، تولید داخلی و تولید ملی، زیرنظام‌های اقتصاد مقاومتی، نسبی یا مطلق بودن اقتصاد مقاوم،

استقلال اقتصادی و نیز رشد و عدالت صورت گرفته و در بخش چهارم که بخش پایانی است، نتیجه گیری و پیشنهادها آمده است.

۲. معرفی و نقد کلی اثر

کتاب «درس گفتارهای نظریه اقتصاد مقاومتی، مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری» توسط عادل پیغامی نگاشته شده و بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع) آن را در سال ۱۳۹۵ به زبان فارسی منتشر کرده است. این کتاب در سیزده فصل تنظیم شده که همه فصول بر محور اقتصاد مقاومتی می‌باشند. کتاب از نظر شکلی و چاپ و صفحه آرایی و پی نوشتها مناسب است. با این وجود، منطق خاصی در تنظیم فصول دیده نمی‌شود و در هر فصل نیز عناوین به صورتی پراکنده و فاقد نظم مفهومی آورده شده اند. لحن کتاب گفتاری است و برخلاف عنوان آن، نظریه ای طراحی و یا تبیین نشده و تنها، مباحث مرتبط با اقتصاد مقاومتی بیان و تشریح گردیده است. در کتاب، آنچه پورنگ است صبغه انقلابی نویسنده در طرح مباحث است که در جای خود ارزشمند است ولیکن در برخی موارد استحکام علمی کم‌رنگ دیده می‌شود. ویراستاری کتاب دارای ایراد است و انجام آن مستلزم تبدیل لحن گفتاری به نوشتاری و همزمان، اصلاح جملات و کلمات می‌باشد. در برخی موارد شکل گفتاری کتاب به نوعی محاوره تبدیل شده است.^۱ فهرست مطالب تهیه شده تفصیلی و اصل و فرع آن مشخص نیست و از این جهت خواننده را در انتخاب و پیگیری مباحث با مشکل مواجه می‌سازد. در ابتدای هر فصل چکیده ای مختصر و واژگان کلیدی (به سبک نگارش مقاله) آورده شده و از آوردن مقدمه برای فصول صرف نظر شده است.

برای فصل اول عنوان «ابراهامی مفهومی اقتصاد مقاومتی از منظر مقام معظم رهبری» انتخاب شده است. در علت انتخاب واژه «ابر مفهومی» توضیحی ارائه نشده است. فصل اول اگرچه بنا داشته از منظر مقام معظم رهبری اقتصاد مقاومتی را مفهوم پردازی کند، لیکن کمتر به صورت مستقیم از ایشان مطالبی نقل شده و همه جا نظرات نویسنده بازگو می‌شود. لذا، بهتر آن بود که متن فرمایشات در یک نظم مفهومی کنار یکدیگر قرار می‌گرفت و به نوعی تبیین نظریه اقتصاد مقاومتی از نظر مقام معظم رهبری در این فصل پی ریزی می‌شد. عنوان فصل دوم «اقتصاد مقاومتی و استقلال اقتصادی مقدمه لازم برای رسیدن به استقلال سیاسی و اقتصادی» است. در این فصل، مفاهیم استقلال اقتصادی، خودکفایی و خوداتکایی توضیح داده شده و بحث مقاوم بودن اقتصاد ایران مطرح شده است. در این زمینه، نویسنده اعتقاد دارند که «اقتصاد ایران اقتصادی مقاوم است.» (پیغامی، ۱۳۹۳: ۱۱۷)

و سپس، لزوم مقاومت حداکثری را مطرح کرده و بیان می‌دارند « ما هرچه قدر هم مقاوم باشیم، مقام معظم رهبری بالاتر از این را خواهان هستند.» (همان). این بیان سوال برانگیز است. اگر اقتصاد ایران مقاوم است چه لزومی بر این همه تاکید از جانب مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی وجود دارد؟ اگر اقتصاد ایران مقاوم است چگونه با تشدید تحریم نفت ارزش پول ملی به نصف و بعد هم به یک سوم در فاصله سالهای ۱۳۹۲ به بعد سقوط کرد؟ از نظر نویسندگان نوسانات و تلاطم‌های اقتصاد، علامت پیشرفت اقتصاد است و برای اثبات آن به وضعیت همه کشورهای پیشرفته اشاره می‌کنند (همان: ۱۱۸). در ادامه این فصل، مولفه‌های قدرت اقتصادی شامل تولید، تعاملات اقتصادی و پایداری اقتصاد مورد بحث مختصر قرار گرفته است.

عنوان فصل سوم «بررسی ابعاد اقتصاد مقاومتی، تبیین به زبان دانشگاهی راهکار عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی» است. منظور از «زبان دانشگاهی» چندان روشن نیست، و سبک و سیاق بحث مانند دو فصل قبلی پیش رفته و تفاوت ماهوی با آن ندارد. از نکات این فصل اعتراف نویسندگان به نوسانات در بازارهای مسکن، طلا و ارز است ولی دلیل این نوسانات را سه عامل سوء مدیریت‌های داخلی، فشارهای خارجی و در حال بزرگ شدن اقتصاد ایران می‌دانند. با این حال، سهم هر یک از این سه عامل به روشنی بیان نشده است. در ادامه، ابعاد اقتصاد مقاومتی را در بخش دوم آورده ولی به وضوح این ابعاد را بر نمی‌شمارند و در پیوست نیز سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و بیانات مقام معظم رهبری در صفحات ۲۰۲-۱۶۹ آمده است.^۳

در فصل چهارم به «الزامات نظریه پردازی در اقتصاد مقاومتی» پرداخته شده است. در این فصل، بر لزوم نظریه پردازی تاکید شده و زمان شناسی و داشتن نگاه بلند مدت به عنوان الزام آن ذکر گردیده و سپس با طرح این بحث که در بین اقتصاد دانان دو نگاه خوشبینانه و بدبینانه به اقتصاد وجود دارد، ادعا شده است که مقام معظم رهبری به اقتصاد نگاه خوشبینانه دارند و دلیل آن را هم این می‌دانند که ایشان بر لزوم زیاد شدن جمعیت ایران تا ۱۵۰ میلیون نفر اشاره کرده اند (همان: ۲۱۳). چنین استدلالی فاقد استحکام لازم است. نگاه مقام معظم رهبری بیشتر واقع بینانه است و در کنار امید داشتن به آینده همواره مخاطرات فعلی اقتصادی را گوشزد کرده اند. البته نویسندگان در چند صفحه بعد خود به این نکته اقرار کرده اند. در ادامه، برخی توصیه‌ها و در نهایت هم درسی از عاشورا برای انقلاب اسلامی مطرح شده است.

در فصل پنجم با عنوان « تبیین حماسه اقتصادی، اقتصاد مقاومتی حماسه اقتصادی » نوعی نگاه ارزشی به اقتصاد مقاومتی طرح شده و اقتصاد مقاومتی را در تناظر مفهومی با حماسه اقتصادی قرار داده اند. این فصل با عناوینی چون حماسه عاشورا، حماسه و اقتصاد، لزوم غیرت در همه زمینه‌ها، پیوند اقتصاد مقاومتی و حماسه اقتصادی و حماسه و پیشرفت ادامه پیدا کرده است. نگاه ارزشی در این عناوین غالب است و کمتر مطالبی با ماهیت خاص اقتصادی در آن دیده می‌شود.

برای فصل ششم عنوان «مردمی کردن اقتصاد، در اقتصاد مقاومتی رکن اصلی در اقتصاد مقاومتی مردمی شدن» انتخاب شده و ضمن بیان ویژگی‌های یک اقتصاد مردمی، راهکارها و توصیه‌هایی (هر چند کلی) برای اقتصاد ایران مطرح شده است. اگرچه مطالب مفیدی آورده شده است، لیکن الگوی مشخصی به عنوان اقتصاد مردمی (که به طور ویژه برای اقتصاد مقاومتی طراحی شده باشد) هنوز دیده نمی‌شود.

موضوع فصل هفتم «راهکارهایی در تحقق اقتصاد مقاومتی، نقش اقتصاد تعاونی، اقتصاد مردمی و بخش خصوصی در اقتصاد مقاومتی» است. این عنوان قرابت زیادی با فصل ششم دارد و بهتر آن بود که مطالب این دو در یک فصل تنظیم می‌شد تا از برخی تکرارها مانند «مردمی شدن اقتصاد» جلوگیری شود. نقش بخش تعاونی در این فصل پررنگ بوده و مطالب خوبی با عناوین متنوع در زمینه تعاونی طرح شده است. در ادامه، بخش خصوصی که تا حدودی در فصل ششم بدان پرداخته شد، مجدداً مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل هشتم « حمایت از تولید ملی با مبارزه سیستمی علیه فساد و رانت» آمده است. این فصل، به طور مشخص موضوع فساد و رانت و اثرات رانت در اقتصاد را بحث کرده و در ادامه، شفافیت اقتصادی و جلوگیری از فساد مطرح شده است. بهبود فضای کسب و کار هم از مباحث این فصل است که در ادامه آن تمرکز بر واحدهای کوچک اقتصادی مطرح شده است.

عنوان فصل نهم «مدیریت ارز در اقتصاد مقاومتی، تضعیف پول ملی کمکی به تولید ملی» می‌باشد. در این فصل، ابتدا برخی مفاهیم مرتبط با ارز توضیح داده شده است، سپس ورودی‌ها و خروجی‌های ارز کشور طرح شده و مهمترین عناصر مدیریت ارزی شامل بانک مرکزی و نظام ارزی در ایران بحث می‌شود. نویسندگان مکانیزم اثرات بالا رفتن نرخ ارز را توضیح می‌دهند و بیان می‌دارند که افزایش نرخ ارز صادرات را تقویت و واردات را کاهش داده و لذا ورود ارز به کشور زیاده‌تر و خروج ارز از کشور کمتر شده، موجب

می‌شود که مازاد تقاضای ارز کاهش یابد. نتیجه این ماجرا از نظر نویسنده حمایت از کار و سرمایه ایرانی است. در ادامه، آثار بالا رفتن نرخ ارز مطرح شده و در موضوع تضعیف ارزش پول ملی و مدیریت ارزی بیان می‌دارند: «یک بی‌سواد بزرگ این است که مردم تقریباً قریب به اتفاق از تضعیف نرخ ارز می‌ترسند و تضعیف نرخ ارز را مساوی تضعیف اقتصاد ایران می‌دانند» (همان: ۳۷۳). این بحث قدری عجیب است. اگر چنین باشد چرا دولت با افزایش بیشتر و بیشتر نرخ ارز از تولید ملی حمایت نمی‌کند؟ پاسخ این است که هر گونه افزایش نرخ ارز به مثابه افزایش هزینه در اقتصاد کرده، همزمان تولید کننده را (از طریق افزایش بهای مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای وارداتی) و مصرف کننده را (از طریق افزایش بهای واردات کالای نهایی) تحت فشار هزینه قرار خواهد داد. بویژه، با وجود انتظارات تورمی بالا، افزایش نرخ ارز تورم را دامن زده و از طریق افزایش هزینه‌های تولید شرایط رکود تورمی را نیز تشدید خواهد کرد. در این صورت، مزیت ابتدایی شکل گرفته برای صادرکننده از طریق افزایش هزینه‌ها و با تشدید تورم به مرور، ولی به سرعت خنثی شده و اقتصاد در شرایط جدیدی از تضعیف پول ملی مجدداً مزیت واردات بر تولید داخلی را تجربه خواهد کرد. جالب است که ایشان در ادامه، بی‌ثباتی نرخ ارز را بدترین عامل در اقتصاد می‌دانند. اگر چنین است، دامن زدن به ریشه این بی‌ثباتی (یعنی تورم) را نباید به راحتی توصیه کرد.

در فصل دهم با عنوان «اقتصاد دانش بنیان در اقتصاد مقاومتی، تبدیل علم به ثروت و تجاری سازی آن لازم است»، سیر تحول زندگی اقتصادی بشر تا مرحله دانش بنیانی را مطرح و مفهوم اقتصاد دانش بنیان و خلق ثروت از دانش را بخوبی تشریح کرده اند.

در فصل یازدهم با عنوان «اقتصاد مقاومتی و اقتصاد تحریم، عبور از تحریم با اجرای اقتصاد مقاومتی»، سوابق تحریم‌های تحمیل شده در جهان را ذکر کرده و علل عدم موفقیت تحریم‌ها و ضرورت داشتن اقتصاد مقاومتی برای مقابله با تحریم‌ها را به اختصار مطرح کرده اند.

در فصل دوازدهم با عنوان «راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی، عملیات روانی و رسانه‌ای بهترین ابزار در اقتصاد» به اختصار نقش رسانه را در جنگ اقتصادی و در اقتصاد مقاومتی تشریح کرده و لزوم بکارگیری ابزار رسانه را برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی گوشزد می‌کنند.

در فصل سیزدهم، که فصل پایانی کتاب است، با عنوان «بررسی طرح هدفمندی یارانه‌ها در اقتصاد ایران، اجرای صحیح هدفمندی یارانه‌ها اجرای اقتصاد مستضعفین و پابرهنگان»،

به تعریف و تشریح یارانه و لزوم پرداخت آن در اقتصاد پرداخته، طرح هدفمند کردن یارانه‌ها و جایگاه آن در اقتصاد مقاومتی را مورد بحث قرار داده و پرداخت یارانه به همه را اقدامی نادرست می‌دانند که منطبق بر منطق عدالت نیست.

به طور کلی کتاب :

- از نظر شکلی خوب تنظیم شده است.
- منطق خاصی در تنظیم فصول دیده نمی‌شود.
- فهرست مطالب تهیه شده تفصیلی و اصل و فرع آن مشخص نیست.
- عناوین درون فصل اغلب پراکنده و فاقد نظم مفهومی است.
- لحن کتاب گفتاری و سخنرانی است.
- صبغه ارزشی نویسنده در بحث نمایان است که در برخی موارد از شاکله علمی خود فاصله می‌گیرد.
- ویراستاری کتاب دارای ایراد است.
- منابع ذکر شده در پایان کتاب در تناسب با حجم کتاب محدود است.
- در مجموع، تلاش نویسنده قابل تقدیر است و خواندن کتاب را می‌توان به عنوان کمک درسی و یا برای عموم مردم برای آشنایی با اقتصاد مقاومتی توصیه کرد.

۳. نقد موضوعی اثر

اقتصاد مقاومتی اگرچه جای خود را در فرهنگ سیاسی-اقتصادی جامعه معاصر ایران اسلامی باز کرده با این حال، موضوعات مهمی وجود دارند که باید از این منظر مورد بازاندیشی و تبیین قرار گیرند تا گستره مفهومی اقتصاد مقاومتی خود را بیش از پیش نمایان سازد. در این مقاله، برخی از موضوعات مهم مطرح و پیرامون آن با نگاه به اندیشه‌های مقام معظم رهبری و مطالب ارائه شده در کتاب مورد اشاره، به اختصار بحث خواهد شد.

۱.۳ تعریف اقتصاد مقاومتی

برخی اقتصاد مقاومتی را در چنان‌هاله ای از تقدس قرار می‌دهند که جای طرح هر گونه تجربه جهانی را در آن متفی می‌دانند. در مقابل، دیگرانی ممکن است باشند که اقتصاد مقاومتی را مفهومی سیاسی و یا معادل با اقتصاد ریاضتی بدانند. واقعیت آن است که اقتصاد

مقاومتی در قالب اصطلاحاتی مانند تاب‌آوری اقتصادی (Economic Resilience)، پایداری اقتصادی (Economic Sustainability)، امنیت اقتصادی (Economic Security)، سلامت اقتصادی (Economic Soundness)، ثبات اقتصادی (Economic Stability)، پیچیدگی اقتصادی (Economic Complexity) و از این قبیل، هم‌اکنون جای پای خود را در ادبیات اقتصادی جهان باز کرده و الگوهای عملی پیاده‌سازی شده آن نیز در اقتصادهای پیشرفته و کشورهای نوظهور فراوان دیده می‌شوند. از این جهت، کشور جمهوری اسلامی ایران شاید دیرتر از دیگر کشورها به این الگو توجه نشان داده و علت نیز می‌تواند وجود درآمد سرشار نفتی و عدم احساس ضرورت آن، قبل از تنگ شدن حلقه تحریم‌ها باشد. با این حال، عمق مفهومی اقتصاد مقاومتی در اندیشه مقام معظم رهبری قابل مقایسه با مفاهیم معادل آن در ادبیات اقتصادی معاصر نیست و ریشه آن را نیز باید در فرهنگ مقاومت و پایداری در برابر نظام سلطه که از ویژگی‌های نظام جمهوری اسلامی ایران است جستجو کرد. اقتصاد مقاومتی مفهومی نوظهور است که می‌باید به درستی تبیین شده و موضوع نظریه‌پردازی علمی قرار گیرد. از جمله تلاش‌هایی که در این راستا انجام شده است مطالبی است که در کتاب مورد بررسی این مقاله تبیین گردیده است. در ادامه، بررسی خود را از تعریف اقتصاد مقاومتی شروع می‌کنیم.

نویسنده، چهار تعریف از اقتصاد مقاومتی شامل اقتصاد موازی (وجود نهادهای موازی در کنار نهادهای رسمی موجود)، اقتصاد ترمیمی (ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد)، اقتصاد دفاعی (شناخت آینده‌های اقتصادی دشمن و طراحی پدافند مناسب در برابر آن) و اقتصاد الگو (اقتصاد ایده آل در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت) ارائه داده است که از نظر ایشان ترکیبی از استراتژی‌ها را می‌توان از این تعاریف بدست آورد و در عین حال تعریف چهارم (اقتصاد الگو) به نظر ایشان چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و دور از دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب نیست (همان: ۵۰-۴۷). سپس در بحث «ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی» نوعی بیان آرمانی صورت گرفته که افق زمانی و چگونگی تحقق آن را مبهم ساخته است (همان: ۵۱). اگرچه داشتن افق بلندمدت و چشم‌انداز برای اقتصاد مقاومتی می‌تواند مفید باشد، لیکن واقع بینی و دیدن افق‌های نزدیک نیز شرط هر گونه اقدام و عمل است. به نظر می‌رسد، در موضوع تعریف اقتصاد مقاومتی بیانات رهبر معظم انقلاب به اندازه کافی راه‌گشا بوده و فراتر رفتن از این تعاریف لزومی نداشته باشد. در اینجا برخی از این تعاریف را مرور می‌کنیم.

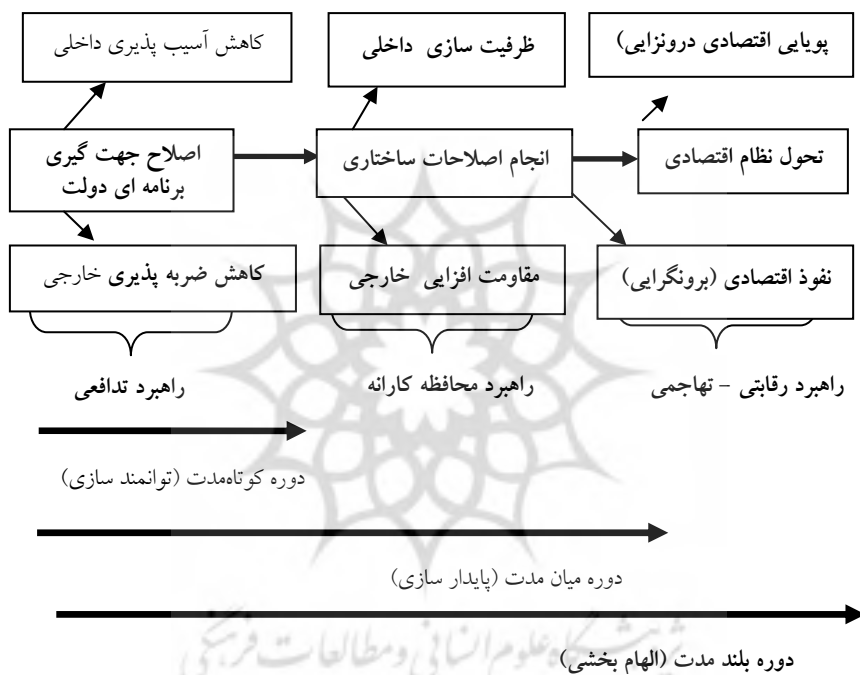
مقام معظم رهبری برای نخستین بار از اقتصاد مقاومتی در دیدار با کارآفرینان استفاده کردند و در انگیزه طرح این موضوع هم به فشار اقتصادی و تحریم اقتصادی دشمن تصریح شده است.^۴ ایشان به وضوح تبیین علمی اقتصاد مقاومتی را از جامعه دانشگاهی مطالبه فرموده اند^۵ و از نظر ایشان جای کار علمی در زمینه اقتصاد مقاومتی هنوز وجود دارد.^۶

اوج تعریف مقام معظم رهبری در مقدمه سیاست‌های کلی ابلاغی منعکس شده که اقتصاد مقاومتی را «الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام»^۷ معرفی نموده اند. از نظر ایشان: «اقتصاد مقاومتی، یعنی اقتصادی که از درون می‌جوشد و احتیاج ما را به دیگران کم میکند و استحکام کشور را در مقابل تکانه‌های خارجی افزایش میدهد؛ این معنای اقتصاد مقاومتی است.»^۸ این تعریف به غایت روشن و عملی است.

لذا، از نظر آنچه باید رخ دهد، تبیین لازم از جانب خود مقام معظم رهبری که افق حرکت را باید روشن کنند انجام گرفته است و لیکن از نظر چگونگی (به مفهوم داشتن الگویی علمی و عملی برای رسیدن به آنچه هدف گیری شده است) هنوز کار چندانی انجام نگرفته و این همان مفهوم دقیق نظریه پردازی است. در ادامه این مقاله به مواردی می‌پردازیم که در بحث اقتصاد مقاومتی باید موضوع نظریه پردازی قرار گیرند.

به نظر این گونه می‌رسد که در نگاه به اقتصاد مقاومتی، نوعی تحول فرایندی را باید در مقاطع کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت شاهد باشیم. آنچه در کوتاه مدت می‌توان انتظار داشت عمدتاً متکی به دولت بوده و شامل اصلاح جهت‌گیری برنامه‌ای دولت می‌شود. نتایج این اقدامات می‌تواند شامل کاهش آسیب‌پذیری‌های داخلی و کاهش ضربه‌پذیری مستقیم در برابر عوامل تخریب‌کننده خارجی در اقتصاد باشد. شاید بیشتر چیزی که در این مرحله مورد انتظار است، هم‌راستایی و انطباق برنامه‌های توسعه پنج‌ساله با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است. در این مرحله، البته مشوق‌هایی برای فعالان بخش خصوصی هم ایجاد خواهد شد که به تصحیح عملکرد آنها می‌تواند منجر شود. در مرحله میان مدت، انجام اصلاحات ساختاری توسط دولت در زمینه‌هایی از قبیل اصلاح قوانین معارض، اصلاح نظام مالیاتی، اصلاح نظام بودجه‌ریزی، اصلاح نظام گمرکی، هدفمندی کامل یارانه‌ها، اصلاح نظام تامین اجتماعی، اصلاح نظام بانکی مورد انتظار است. چنین اصلاحات ساختاری، هم مهم و هم بغایت دشوار است و ممکن است چند برنامه پنج‌ساله لازم داشته باشد. انتظارات نهایی از انجام این مرحله ظرفیت‌سازی در اقتصاد و افزایش مقاومت ذاتی اقتصاد کشور است. در مرحله بلند مدت از اقتصاد مقاومتی، تحول اساسی نظام اقتصادی مورد انتظار است و انجام آن

نیازمند تدوین نظریه جدید اقتصادی و پی‌ریزی ایده‌ای است که در مقدمه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با تعبیر «الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی» از آن یاد شده است. اهداف این مرحله می‌تواند شامل ایجاد شرایط پویایی اقتصادی (یا درون‌زایی) از یک سو و گسترش نفوذ اقتصادی (یا برون‌گرایی) از سوی دیگر باشد. این نگاه فرایندی که از مرحله تدافعی آغاز و با عبور از مرحله محافظه‌کارانه وارد مرحله رقابتی - تهاجمی می‌شود در نمودار (۱) خلاصه شده است:



نمودار ۱. مراحل تحقق اقتصاد مقاومتی

همان طور که از نمودار هم پیدا است، همه مراحل می‌توانند همزمان آغاز شوند، لیکن همزمان به انجام نمی‌رسند و نتایج به یکباره محقق نخواهند شد.

۲.۳ دولت و بازار

حدود و ثغور دخالت دولت در اقتصاد موضوع مهم مکاتب در اقتصاد سیاسی است که از نوعی عدم جواز برای مداخله دولت در اقتصاد^۹ تا لزوم دخالت حداکثری دولت^{۱۰} در آن

دیده می‌شود. اقتصاد مقاومتی هم از این امر مستثنی نیست و باید به روشنی به این سوال پاسخ دهد که نقش و حضور دولت تا کجا پذیرفته است؟ این سوال از آنجا اهمیت اساسی دارد که در عمل نوعی بده-بستان (Trade off) میان اهداف ایجاد خواهد شد. دولت‌ها در اقتصاد برای اطمینان از تحقق اهداف کلان اقتصادی (مانند رشد، ثبات، عدالت و حتی تاب آوری) مداخله می‌کنند و هرچه این اهداف کلان در اقتصاد زیادتر و پرننگ تر باشند، ردپای دخالت دولت بیشتر خواهد بود. اما از سوی دیگر، هر گونه قاعده گذاری و بالتبع هر گونه دخالت مستقیم از جانب دولت‌ها به مفهوم تنگ تر شدن زمینه فعالیت برای بخش خصوصی (و مردمی کردن اقتصاد) بوده و از این جهت مغایر با کارایی اقتصادی و محدود کننده رشد اقتصاد ملی می‌تواند باشد. لذا، تعریف روشن و دقیق نقش دولت در اقتصاد مقاومتی لازم است. باید معلوم شود، کدامیک از دخالت‌های دولت محدود کننده رشد اقتصاد ملی است؟ همچنین، برای هر یک از دخالت‌های دولت حد و اندازه بهینه ای آن کدام است؟ اصولاً، اقتصاد علم بهینه یابی است. هیچ نسخه مطلقاً در اقتصاد وجود ندارد و هر نوع اقدام در عرصه فعالیت اقتصادی دارای اندازه بهینه ای است که باید تعریف و مشخص شود.

در اقتصاد مقاومتی، از همان ابتدا به مجموعه اهدافی برخورد می‌کنیم که باید تحقق پیدا کنند. در بند ۲۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (مشمول بر ۲۴ بند) دولت را به طور مستقیم برای مقابله با تحریم مورد خطاب قرار داده است. در هر بند از سایر بندهای بیست و چهار گانه نیز اهدافی تعریف شده است و از آنجا که کمتر هدفی وجود دارد که بتوان از طریق مکانیزم بازار تحقق آن را ضمانت کرد، لزوم دخالت دولت برای تحقق آحاد اهداف تعریف شده در هر یک از این سیاست‌ها آشکار می‌گردد. انواع این دخالت نیز در یک طیف از قاعده گذاری، سیاست‌گذاری، قانونگذاری، بستن عوارض و مالیات تا دخالت مستقیم را شامل می‌شوند. هر قدر به سمت دخالت مستقیم نزدیک تر شویم، شانس تحقق اهداف بیشتر شده، لیکن هزینه مبادله برای فعالیت بخش خصوصی در اقتصاد نیز بیشتر خواهد شد و برعکس. لذا، با نوعی تضاد در اهداف کارایی اقتصادی (با معیار رشد اقتصادی) و اثربخشی (به مفهوم تحقق اهداف موضوعه) مواجه هستیم و تعریف اندازه بهینه دخالت دولت برای ایجاد یک توازن منطقی میان کارایی اقتصادی و اثربخشی، ضروری و لازم است. نکته ظریف تر این است که در هر یک از اهداف، اندازه بهینه دخالت متفاوت خواهد بود و یک نسخه واحد برای همه اهداف متصور نیست. این خود

می‌تواند سبب آشفتگی‌هایی در سیاست‌گذاری شده و سهولت کسب و کار را برای بخش خصوصی اقتصاد با ابهام بیشتری مواجه سازد.

در موضوع مسئولیت دولت در اقتصاد مقاومتی مقام معظم رهبری به صورتی طرح بحث فرموده اند که می‌تواند یک خط راهنما برای طرح‌ریزی الگوی عملی اقتصاد مقاومتی باشد: «اقتصاد مقاومتی... بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست... اما (این که) «دولتی نیست» به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد.»^۱ هر یک از پنج مسئولیتی که ایشان برای دولت در این بیان موجز ذکر فرموده اند نیاز به روشن‌نگری دارد و هر یک جای ویژه‌ای در نظریه پردازی اقتصاد مقاومتی می‌توانند داشته باشند. حدود و ثغور هر یک نیز محل بحث است. شاید نزدیک‌ترین راه برای این منظور آن باشد که بندهای ۲۴ گانه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی از این منظر مورد واکاوی قرار گرفته و زمینه‌های هر یک از پنج مسئولیت برشمرده در هر یک از بندهای سیاستی آن مشخص شود. در ضمن، مسئولیت‌های پنج‌گانه می‌باید به گونه‌ای مدیریت شوند که نتیجه را از یک اقتصاد دولتی متمایز نموده و به یک اقتصاد مردمی بازار گرا نزدیک‌تر سازد.

۳.۳ الگوی مردم پایه کردن اقتصاد

در صفحات متعددی از کتاب به کارهایی که در اقتصاد مقاومتی مردم می‌توانند مخاطب آنها باشند توجه داده شده است: خریدن کالای داخلی (ص ۶۵)، حفظ اتحاد ملی مقابل جنگ روانی دشمن (ص ۶۹)، سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی (ص ۷۰)، تلاش خالصانه در کنار توکل به خدا (ص ۷۸)، برخورد عقلانی توسط مردم برای جلوگیری از جو روانی (ص ۹۵)، شناخت ابزار دشمن (ص ۹۶)، مدیریت مصرف در هر شرایط (ص ۱۵۵)، روحیه جهادی و پرهیز از لقمه حرام (ص ۳۲۶)، مشارکت در اردوی جهادی (ص ۴۴۵)، اصلاح الگوی مصرف (ص ۴۶۸)، پرداخت مالیات (ص ۴۸۳) و رعایت استحقاق‌ها و عدم تجاوز به حقوق دیگران در یارانه‌ها (ص ۴۸۷). روشن است که این موارد همه ی نقش مردم نیست، بلکه اقداماتی است که مردم راساً بر عهده دارند و اهدافی مانند فعال سازی امکانات داخلی، توسعه کارآفرینی، اقتصاد دانش بنیان، خودکفایی در کالاهای استراتژیک، مدیریت واردات، امنیت اقلام راهبردی و یا حتی مقابله با تحریم نیز جز با همراهی و مشارکت مستقیم اقتصادی مردم، در نقش تولید کننده و یا مصرف کننده امکان پذیر نیست.

نکته دیگر این که اقتصاد مردمی، اقتصاد برای مردم (مانند الگوهای سوسیالیستی) و یا اقتصاد بر مردم (مانند الگوهای سرمایه داری) نیست، بلکه اقتصادی است که پایه و اساس آن مردم هستند: «اقتصاد مقاومتی معنایش این است که انقلاب نشان بدهد که هویت درونی این کشور و این ملت قادر است خود را اداره کند و رشد بدهد و تعالی بدهد. این معنای اقتصاد مقاومتی [است]. این باید تحقق پیدا کند.»^{۱۲} «اقتصاد مقاومتی مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده‌ی مردم، سرمایه‌ی مردم، حضور مردم تحقق پیدا میکند.»^{۱۳} نکته جالب در بیان مقام معظم رهبری آن است که مردم سه گونه با اقتصاد مقاومتی پیوند دارند، اراده مردم، سرمایه‌ی مردم و حضور مردم. هر سه این زمینه‌ها می‌باید موضوع نظریه پردازی در اقتصاد مقاومتی باشند. در همین ارتباط، آنچه باید روشن شود (و کمتر بدان پرداخته شده است) نظام انگیزشی ویژه‌ای است که مردم را به سمت و سوی «بایدها» سوق داده و هدایت می‌کند.

در موضوع مردمی کردن اقتصاد، آنچه بیشتر ذهن مخاطب را درگیر می‌کند، تمایز و یا تشابه مردمی کردن اقتصاد با خصوصی سازی است. خصوصی سازی با تجربیات موفق و ناموفقی در دنیای معاصر تداعی می‌شود. جمهوری اسلامی ایران در این زمینه عملکردی قابل دفاع نداشته و به نوعی ضمن تحمل آسیب‌های آن (مانند واگذاری رانتی شرکت‌ها و عملکرد ضعیف تر تولید و اشتغال پس از واگذاری) نتوانسته مزیت‌های آن (از قبیل ایجاد شرایط رقابت و کارایی اقتصادی در تولید ملی) را تجربه کند. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ هم بنا به فرمایشات مقام معظم رهبری درست پیش نرفته و در عمل پیاده نشده است.^{۱۴} لذا، در عرصه نظریه پردازی پرداختن به موضوع مردمی کردن اقتصاد و تعریف الگوهایی برای مشارکت گسترده مردم در اقتصاد از اقدامات مهمی است که باید انجام گیرد. در کتاب مورد بحث ضمن تصریح به تفاوت خصوصی سازی با مردمی کردن اقتصاد، به مواردی از قبیل «ایجاد شرایط عادلانه برای تمامی افراد»، «فراهم سازی مقدمات برای این که مردم رشد و بلوغ لازم را پیدا کنند» و «برقراری عدالت در حوزه آموزش‌های مهارتی» اشاره کلی شده (پیغامی، ۱۳۹۵: ۲۵۷-۲۵۵) و در بخش مربوط به مقابله با فساد هم اذعان دارند که: «کوچک کردن مقیاس‌ها، اقتصاد را مردمی‌تر می‌کند. واحدهای کوچک و متوسط، توزیع ثروت را بین مردم پخش می‌کند.» (همان: ۳۴۵)، لیکن الگوی خاصی برای شکل‌گیری مشارکت مردم در اقتصاد مورد بحث قرار نگرفته و هنوز این سوال جدی وجود دارد که دقیقاً چه اتفاقی باید بیفتد؟ به نظر می‌رسد در این زمینه، تجربیات عملی سایر کشورها در الگوهای مشارکت اقتصادی می‌توانند مفید باشند.

۴.۳ تولید داخلی و تولید ملی

موضوع حمایت از تولید ملی و تولید داخلی با تاکید زیاد در بیانات مقام معظم رهبری آمده و تولید ثروت در این بیانات، به عنوان نتیجه حمایت از تولید ملی و تولید داخلی، مورد اشاره بوده است: « مردم در همه‌ی سطوح، تولید ملی را ترویج کنند... خرید جنس داخلی یک ضرورت برای مقاوم‌سازی اقتصاد است و بر روی همه چیز این کشور تأثیر میگذارد. باید به این توجه کرد؛ این نقش همه‌ی مردم است.»^{۱۵}

هر یک از معیارهای تولید ملی و تولید داخلی می‌توانند در جای خود مهم باشند. در تولید ملی، سهم هر ملیت از ارزش افزوده تولید و در تولید داخلی، اشتغال ایجاد شده اهمیت زیادی دارند. روشن است که از نگاه اقتصاد مقاومتی هم تولید ثروت و هم اشتغال می‌توانند مهم باشند و لذا در بیانات به صورتی دقیق، به هر دوی این مفاهیم اشاره رفته است.

نکته دیگر این که در عصر حاضر (با توسعه مبادلات تجاری، گسترش بنادر آزاد تجاری، پدیده صادرات مجدد و حضور سرمایه‌گذاران خارجی در کشورها) در هر یک از مفاهیم تولید ملی و تولید داخلی نیازمند توافق بر سر معیاری برای تشخیص هستیم. در نگاه اول، ممکن است ساده به نظر آید که کالایی که توسط یک ایرانی تولید می‌شود بخشی از تولید ملی ایران است و یا کالایی که در داخل کشور تولید می‌شود، یک کالای داخلی است. لیکن، کالاهای زیادی وجود دارند که همه مراحل تولید آن توسط یک ملیت و یا در داخل یک کشور به انجام نمی‌رسد. کشورها ممکن است بسیاری از نهاده‌ها و حتی کالاهای واسطه‌ای را وارد کرده و در داخل کشور به کالای نهایی تبدیل کنند، در این صورت با چه معیاری این کالاها را می‌توان داخلی به حساب آورد؟ آیا اتوموبیل‌هایی که قطعات آنها به صورت کامل وارد کشور شده و در داخل سرهم می‌شوند نیز کالایی داخلی و یا ملی است؟ اساساً، امروزه در تولید بسیاری از کالاها ملیت‌های مختلفی دخیل هستند و رد پای شرکت‌های چند ملیتی در همه جا به چشم می‌خورد.^{۱۶} لذا، در چنین عصر و زمانی بدون داشتن معیاری روشن نمی‌توان بر بسیاری کالاها برچسب تولید ملی و یا تولید داخلی زد. در این زمینه نیز نظریه پردازی لازم صورت نگرفته و به گونه‌ای، تشخیص آن را از بدیهیات دانسته‌اند.

۵.۳ خرده نظام‌های اقتصاد مقاومتی

تحقق اقتصاد مقاومتی بدون تردید نیازمند طراحی خرده نظامات اقتصادی متناسب با خود می‌باشد که از جمله مهمترین آنها نظام مالی و بانکی، نظام مالیاتی و نظام ارزی و تجاری است. مجدداً در اینجا نیز یادآور می‌شویم که تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی به خودی خود اتفاق نخواهد افتاد. اگر نخواهیم اهداف را به شکل دستوری همانند آنچه در اقتصادهای کاملاً دولتی انجام می‌شود، محقق کنیم، نیازمند سازوکاری هستیم که ماتریس نهادی لازم و نظام انگیزشی متناسب را، جهت سوق دادن نیروهای اقتصادی به سمت آن اهداف فراهم می‌سازند. چنین زمینه‌ای، تنها از طریق طراحی خرده نظامات مناسب برشمرده فراهم خواهد شد. سوال اساسی آن است که آیا نظام مالی و بانکی موجود می‌تواند همراه با اهداف اقتصاد مقاومتی عمل کند؟ آیا نظام مالیاتی فعلی تشویق کننده عوامل به سمت و سوی فعال سازی ظرفیت‌های داخلی در اقتصاد مقاومتی است؟ آیا نظام تجاری موجود در جهت تقویت تولید داخلی عمل می‌کند؟ اگر چنین نیست، اصلاح اساسی این خرده نظامات یک ضرورت اساسی برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی است.

۶.۳ نسبی یا مطلق بودن مفهوم «اقتصادمقاوم»

مقاوم سازی اقتصاد ملی اگرچه یک وضعیت مطلوب است، لیکن سوال این است که آیا «اقتصاد مقاوم» مفهومی نسبی و یا مطلق است؟ این سوال از آنجا قابلیت طرح دارد که مانند هر هدف دیگری، مقاوم سازی اقتصاد ملی نیز دارای «هزینه فرصت» (Opportunity Cost) بوده و قانون صعودی بودن نیز بر آن حاکم است. در اینجا ممکن است میان دو مفهوم مقاوم سازی ذاتی و مقاوم سازی سیاستی تمایز قایل شویم. چنانچه اقتصادی از طریق ایجاد شرایط «کارآمدی اقتصادی» به نوعی از مقاومت ذاتی دست یابد که بتواند در برابر شرایط نامطلوب ایستادگی بیشتری از خود نشان دهد، در این صورت هزینه فرصتی برای آن متصور نیست.^{۱۷} لیکن برخی مقاوم سازی‌های اقتصادی سیاست ساخته است و عموماً نیز با فاصله گرفتن از شرایط بازار آزاد اتفاق می‌افتند. این موارد به گونه‌ای انتخاب میان کارایی اقتصادی و شرایط مقاومت اقتصادی را اجتناب ناپذیر می‌سازد. در این موارد، هزینه مقاوم سازی و اندازه بهینه مقاوم سازی قابل طرح بوده و این همان مفهوم «نسبیت» در مقاوم سازی اقتصادی است. درست مانند شرایطی که بخواهند سازه‌ای را در برابر تکانه‌های ناشی از زلزله مقاوم کنند، افزایش ضریب مقاومت سازه هزینه‌های بیشتر و

بیشتری را تحمیل خواهد کرد. لذا، حد مطلوب و بهینه مقاوم سازی با توجه به تهدید تکنانه‌های محتمل از یک سو و هزینه‌های مقاوم سازی از سوی دیگر می‌باید مشخص شود. همان گونه که امنیت یک امر نسبی است، مقاوم سازی اقتصاد نیز چنین است. مثال ساده آن، نگهداشت ذخایر استراتژیک برای مقابله با تکنانه‌های محتمل می‌باشد. ذخایر بیشتر، ضریب امنیت بالاتری را به ارمغان می‌آورد، لیکن هزینه آن نیز بالاتر است. در کتاب، پس از آن که اقتصاد ایران را یک اقتصاد مقاوم معرفی کرده، بر لزوم مقاومت حداکثری تصریح کرده و به زعم نویسنده، خواست مقام معظم رهبری چنین است (همان: ۱۱۷). برای استناد چنین مفهوم مهمی به مقام معظم رهبری سندی ذکر نشده و به نظر می‌رسد که برداشت نویسنده می‌باشد.

۷.۳ استقلال اقتصادی

مفهوم استقلال اقتصادی عموماً در مقابل مفهوم وابستگی اقتصادی مطرح می‌شود. آیا در عصر حاضر نداشتن وابستگی اقتصادی ممکن و یا حتی لازم است؟ عصر حاضر عصر گسترش ارتباطات است که مرزهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را تا حدود زیادی کمرنگ ساخته است. همان طور که باری بوزان (Barry Buzan) می‌نویسد: «اقتصاد بین الملل دارای ساختار و پویایی ویژه است. (در این سیستم) افراد و شرکت‌ها واحدهای آن هستند، تجارت و مالیه کنش‌ها و واکنش‌های آن و بازار، ساختار بنیادی آن است. سیستم اقتصادی دارای آهنگ تاریخی مشخص است و نکاتی چون رشد جمعیت، نوآوری تکنولوژیک، افزایش روزافزون ظرفیت سازماندهی، کشمکش طبقاتی و توسعه تئوری‌های روشن اقتصادی بر توان آن می‌افزاید. در طول زمان، پویایی اقتصادی باعث ایجاد گرایش قدرتمندی به سوی افزایش ثروت و تمرکز بیشتر فعالیت‌های موازی شده است. نتیجه نهایی، توسعه اقتصادهای محلی و افزایش سطح مبادله بین آنها بوده است» (بوزان، ۱۳۹۰: ۲۶۱)

در این شرایط تاکید بر حفظ «هویت ملی» در عرصه فرهنگی برخی کشورها را واداشته که برای جلوگیری از نفوذ و سلطه فرهنگ بیگانه برنامه ریزی و اقدام کنند. در اقتصاد نیز بر تامین امنیت اقتصادی تاکید می‌شود. «از سال ۱۹۴۵ ایده امنیت اقتصادی جایگاه والایی در دستور کار سیاسی یافته است» (همان: ۲۶۴). با این حال امروزه، تجارت جهانی مرزهای ملی کشورها را درنوردیده و نرخ رشد بالاتر تجارت نسبت به تولید در جهان به یک واقعیت و ویژگی عصر حاضر تبدیل شده است. بوزان یادآوری می‌کند که:

جاذبه بازار جهانی ساده و قوی است و می‌توان آن را در عبارت کارایی اقتصادی خلاصه کرد. بازار جهانی برای کسانی که در آن مشارکت می‌کنند، دسترسی به انواع خریداران و فروشندگان، وام دهندگان و وام گیرندگان را ممکن می‌سازد که بسیار فراتر از توانایی‌های داخلی است. این دامنه گسترده از امکانات، باعث گشایش فرصتی برای بهره‌گیری از صرفه‌جویی‌های تولید انبوه و استراتژی‌های تخصصی می‌شود که در اقتصاد بسته، امکان پذیر نیست. این امر، دسترسی به پول و تکنولوژی را تسریع و تسهیل می‌کند که در داخل دولت بسادگی در دسترس نیست و جریان مداومی از تماس‌ها و اطلاعات مفید را تضمین می‌کند. در بهترین حالت، بازار جهانی این نوید را می‌دهد که دولت‌ها می‌توانند از امتیازات رقابتی خود بهترین استفاده را بکنند (همان: ۲۸۱).

چنین جاذبه‌ای، (اگرچه در عمل با روش‌هایی مانند تحریم اقتصادی به کرات از جانب قدرت‌هایی که خود منادی تجارت آزاد بوده‌اند نقض شده باشد) از یک طرف، همه کشورها را به سمت حضور در بازار جهانی سوق داده است^{۱۸} و از طرف دیگر، شرایط وابستگی متقابل اقتصادی را برای همه کشورها رقم زده است. لذا در این شرایط، بازتعریف مفهوم استقلال اقتصادی که در اقتصاد مقاومتی بر آن تاکید می‌شود لازم است.

عموماً پذیرفته است که در کالاهای استراتژیک (مانند گندم در ایران) کشورها به سازوکار بازار جهانی اعتماد نکرده و خود در صدد تولید داخلی آن باشند. مفهوم «خودکفایی» و یا خود بسندگی در اینجا به معنی تامین استقلال اقتصادی از جهت نیاز به این کالاها می‌باشد. در این زمینه، تولید حتی به قیمت‌های بالاتر از بازار جهانی نیز منطق خاص خود را دارد. مفهوم دیگر «خودتکایی» است که لزوماً به مفهوم تامین بالفعل کالاها در داخل نیست و بیشتر به ایجاد ظرفیت لازم برای تولید خودکفا (در صورت لزوم) اشاره دارد. برای مثال، اگرچه در امریکا بخش مهمی از غنی‌سازی اورانیوم مورد نیاز در خارج از مرزهای این کشور انجام می‌شود، لیکن در صورت لزوم، امکان و ظرفیت انجام همه غنی‌سازی در داخل خاک آن کشور وجود دارد. در کشور ما نیز در مقطعی با تهدید تحریم بنزین مواجه شدیم. لذا پالایشگاه‌های داخلی برای تولید بنزین (اگرچه با کیفیت پایین‌تر) بکارگرفته شدند و در نوع خود تجربه موفقی را به نمایش گذاشتند. این اقدام مانع تحریم بنزین شد. پس از برداشته شدن این تهدید، ج.ا.ایران واردات بنزین را (به دلایل قیمتی و نیز کیفیت) از سر گرفت. لذا، در چنین مواردی که کالاهای اساسی گفته می‌شوند، ایجاد ظرفیت لازم (و نه لزوماً تولید بالفعل همه آن) نیز می‌تواند در دستور کار مسئولان کشور

باشد. در سایر موارد، برای کالاهای تجاری و قابل مبادله ضرورتی برای خوداتکایی و بالتبع خودکفایی نیست و تامین آنها از بازار جهانی منافاتی با استقلال اقتصادی نداشته و خطری برای امنیت اقتصادی محسوب نمی‌شود، بلکه این موارد موضوع «وابستگی متقابل اقتصادی» است. شاید همه آنچه را که در موضوع وابستگی متقابل اقتصادی می‌توان گفت بتوان در این ایده خلاصه کرد که وابستگی متقابل یک واقعیت غیر قابل اجتناب دنیای معاصر است که حتی قدرت‌های بزرگ اقتصادی را از آن گریزی نیست.^{۱۹} لیکن، آنچه می‌تواند تهدید برای استقلال اقتصادی باشد و امنیت اقتصادی را در مخاطره قرار دهد «وابستگی متقابل نامقارن» است. همان طور که ژوزف نای (Joseph S Nye) یادآور می‌شود: «تقارن به موقعیت‌های نسبتاً متوازن در قیاس با وابستگی نامتوازن اشاره دارد. وابستگی کمتر می‌تواند یک منبع قدرت باشد. اگر دو طرف وابستگی متقابل داشته، اما یکی کمتر از دیگری وابسته باشد، آنگاه طرفی که وابستگی کمتری دارد، دارای یک منبع قدرت است، مادامی که طرفین برای این رابطه ی وابستگی متقابل ارزش قائل شوند. اداره کردن وابستگی‌های نامتقارن متقابل، یکی از ابعاد مهم قدرت اقتصادی است. تقارن مطلق و ایده آل، کاملاً نادر است، بنا بر این بیشتر وابستگی متقابل اقتصادی نیز مستلزم یک رابطه ی قدرت بالقوه می‌باشد» (نای، ۱۳۹۰: ۱۰۱). نتیجه این که، اداره کردن وابستگی‌های متقابل موضوع مهم استقلال اقتصادی برای کشورها می‌باشد که در نظریه پردازی اقتصاد مقاومتی می‌باید به آن توجه شود.

در کتاب مورد ارزیابی این مقاله مفهوم استقلال اقتصادی تعریف شده و میان آن با مفهوم خودبسندگی اقتصادی نیز تمایز قایل شده است (پیغامی، ۱۳۹۵: ۱۲۰). در ادامه، با استنادی به بیانات مقام معظم رهبری استقلال اقتصادی معنی شده است.^{۲۰} نویسنده در ادامه (به صورتی کلی) داشتن پیوند اقتصادی با دنیا را موجب مقاوم شدن اقتصاد می‌داند (همان: ۵۳). در جای دیگری که به بحث ما مربوط می‌شود، بیان شده است: «نحوه تعامل و قرار گرفتن در آرایش و ترتیبات جهانی یک مساله بسیار مهم و راهبردی است» (همان: ۹۰). در ادامه، از نظام سلطه نام می‌برند و معتقد هستند که در فضای اقتصاد مقاومتی می‌باید ترتیبات جهانی را بشناسیم تا بتوانیم مقابل نظام سلطه، هم مقاومت کنیم و هم بتوانیم آن را عقب برانیم و تهدیداتشان را با تهدید پاسخ دهیم (همان: ۹۲).

۸.۳ رشد و عدالت

رشد و عدالت هم پای یکدیگر در اقتصاد مقاومتی موضوعیت داشته و مهم هستند. از آنجا که توجه به رشد و تولید ثروت در همه مکاتب اقتصادی مورد توجه بوده و هست، توجه ویژه به عدالت در کنار رشد را باید وجه ممیزه اقتصاد مقاومتی با سایر مکاتب اقتصادی معرفی کرد. مقام معظم رهبری در این مورد اشاره دارند که: « این اقتصاد، عدالت‌محور است... عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه - یکی از شاخصهای مهم در اقتصاد مقاومتی است... عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است.»^{۲۱}

از آنجا که در الگوهای اقتصاد متعارف عموماً نوعی بده بستان میان دو هدف رشد و عدالت وجود دارد و انواع سیاست‌های معطوف به عدالت با دخالت‌های دولت در اقتصاد (از نوع محدود کننده رشد) همراه است، لازم است تعارض رشد و عدالت در نظریه پردازی اقتصاد مقاومتی مورد توجه خاص قرار گیرد. در واقع، همه چیز در اینجا به الگوی رشد ختم می‌شود. تاکید بر عدالت در کنار رشد به نوعی تاکید بر الگوی رشد عدالت محور است. به عبارت دیگر، در اقتصاد مقاومتی، کیفیت اجتماعی رشد (با محوریت رشد عدالت محور) همانند کیفیت زیست محیطی آن (در مبحث توسعه پایدار) و همزمان با کمیّت رشد می‌باید مورد توجه دقیق قرار گیرند. عدالت در اقتصاد مقاومتی نمی‌تواند در عدالت توزیعی (آن هم از نوع توزیع مجدد درآمدها) خلاصه شود و الزاماً می‌باید رد پای آن در همه مراحل قبل از تولید، حین تولید و پس از تولید دیده شود.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

گرچه در دهه‌های اخیر و به ویژه پس از بحران مالی ۱۹۹۷ شرق آسیا مقاوم سازی اقتصادی در ادبیات اقتصادی جهان با عناوینی همچون تاب آوری اقتصادی مورد اشاره قرار گرفته، لیکن اصطلاح «اقتصاد مقاومتی» با عمق مفهومی ویژه آن را تنها باید مربوط به اندیشه اسلام ناب و هم پیوند با فرهنگ مقاومت دانست. طرح ایده اقتصاد مقاومتی از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی و درخواست ایشان برای تبیین این ایده توسط دانشگاهیان تلاش‌های زیادی را از سال ۱۳۸۹ تا کنون برانگیخته است. این مقاله با تمرکز بر کتاب « درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی» اثر عادل پیغامی نشان داده است که

هنوز زمینه‌های بسیاری وجود دارند که در نظریه پردازی اقتصاد مقاومتی مبهم باقی مانده است. کتاب به طور کلی از نظر شکلی و چاپ و صفحه آرایی و حتی پی نوشتها مناسب تنظیم شده و صبغه ارزشی نویسنده در بحث مشهود است.

اقتصاد مقاومتی در فرهنگ سیاسی-اقتصادی جامعه معاصر ایران اسلامی جای خود را باز کرده اما موضوعات مهمی وجود دارند که می‌باید از منظر اقتصاد مقاومتی مورد بازاندیشی و تبیین مفهومی قرار گیرند که در این مقاله، برخی از موضوعات مهم مطرح و پیرامون آن با نگاه به اندیشه‌های مقام معظم رهبری و مطالب ارائه شده در کتاب مورد اشاره، به اختصار بحث شده است.

در مباحث موضوعی مشخص شد در بیان «ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی» نوعی بیان ایده آل‌ها صورت گرفته که نیاز به واقع بینی بیشتری احساس می‌شود و باز تعریف دقیق اقتصاد مقاومتی را الزامی ساخته است. از نظر آنچه باید اتفاق بیفتد، تبیین لازم از جانب مقام معظم رهبری انجام گرفته و لیکن از نظر چگونگی (به مفهوم داشتن الگویی علمی و عملی برای رسیدن به آنچه هدف گیری شده است) هنوز کار جدی انجام نشده است و این همان مفهوم دقیق نظریه پردازی است. در صحنه عمل نیز آنچه می‌باید رخ دهد، نوعی تحول فرایندی است که می‌باید در مقاطع کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت انتظارات از اقتصاد مقاومتی مشخص شوند.

در موضوع حدود و ثغور دخالت دولت در اقتصاد به نوعی با تضاد در اهداف کارآیی اقتصادی و اثربخشی مواجه هستیم و تعریف اندازه بهینه دخالت دولت برای ایجاد یک توازن منطقی میان کارآیی اقتصادی و اثربخشی، ضروری و لازم است. در تحقق اقتصاد مقاومتی مردم مخاطب اصلی هستند و اهداف مورد نظر جز با همراهی و مشارکت مستقیم اقتصادی مردم امکان پذیر نیست. در عین حال، تعریف الگوهایی برای مشارکت گسترده مردم در اقتصاد، از اقدامات مهمی است که باید انجام گیرد.

موضوع حمایت از تولید ملی و تولید داخلی به دفعات در بیانات مقام معظم رهبری دیده می‌شود. توجه به تولید ملی یعنی توجه به سهم کشور از ارزش افزوده و تولید ثروت حاصل از آن و توجه به تولید داخلی یعنی توجه به اشتغال حاصل از تولید، که از نگاه اقتصاد مقاومتی هر دو می‌توانند مهم باشند. در این زمینه نیازمند تعریف و توافق بر سر یک معیار برای تشخیص هستیم.

تحقق اقتصاد مقاومتی بدون تردید نیازمند خرده نظامات اقتصادی متناسب با خود می‌باشد. از جمله مهمترین این خرده نظامات، نظام مالی و بانکی، نظام مالیاتی و نظام ارزی و تجاری است. برخی مقاوم سازی‌های اقتصادی نیز سیاست ساخته است و عموماً با فاصله گرفتن از شرایط بازار آزاد اتفاق می‌افتد. این موارد انتخاب میان کارآیی اقتصادی و شرایط مقاومت اقتصادی را اجتناب ناپذیر می‌سازد. در این موارد، هزینه مقاوم سازی و اندازه بهینه مقاوم سازی قابل طرح است و این همان مفهوم «نسبیت» در مقاوم سازی اقتصادی است.

بازتعریف مفهوم استقلال اقتصادی که در اقتصاد مقاومتی بر آن تاکید می‌شود لازم است. با این که در کالاهای استراتژیک (مانند گندم در ایران) مفهوم خودکفایی و یا خود بسندگی پذیرفته است، لیکن وابستگی متقابل یک واقعیت غیر قابل اجتناب دنیای معاصر است و آنچه باید انجام گیرد اداره کردن وابستگی‌های متقابل نامتقارن است. رشد و عدالت هم پای یکدیگر در اقتصاد مقاومتی موضوعیت دارند و از آنجا که در الگوهای اقتصاد متعارف عموماً نوعی بده بستان میان دو هدف رشد و عدالت وجود دارد و انواع سیاست‌های معطوف به عدالت با دخالت‌های دولت در اقتصاد (از نوع محدود کننده رشد) همراه می‌باشد، لازم است تعارض رشد و عدالت در نظریه پردازی اقتصاد مقاومتی مورد توجه خاص قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای بحث مبسوط‌تر در این زمینه ر.ک. سیف، «نقشه راه پیاده سازی...»، ۱۳۹۳.
۲. برای مثال این جمله در پاراگراف پایانی ص ۹۳.
۳. یعنی بیش از ۳۰ صفحه از مطالب کتاب عیناً از تارنمای مقام معظم رهبری آورده شده است!
۴. بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور ۸۹/۰۶/۱۶
۵. بیانات در دیدار دانشجویان ۹۱/۰۵/۱۶
۶. بیانات در دیدار دانشجویان ۹۲/۰۵/۰۶
۷. مقدمه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی ۹۲/۱۱/۲۹
۸. بیانات ۹۵/۰۸/۲۶ در دیدار مردم اصفهان
۹. در این مورد نگاه کنید به کتاب «دولت در آینه واقعیت» اثر رابرت جی رینجر و کتاب «آزادی انتخاب» اثر میلتون و رز فریدمن

۱۰. در این مورد نگاه کنید به کتاب « نظام ملی اقتصاد سیاسی » نوشته فرد ریک لیست.
۱۱. بیانات در حرم مطهر رضوی ۹۳/۰۱/۰۱
۱۲. بیانات در دیدار جمعی از مسئولان کشور ۹۵/۰۱/۲۴.
۱۳. بیانات در حرم مطهر رضوی ۹۳/۰۱/۰۱.
۱۴. بیانات ۱۳۹۳/۱۱/۲۹.
۱۵. بیانات در حرم مطهر رضوی ۹۳/۰۱/۰۱
۱۶. در عصر حاضر نوعی ملیت‌زدایی از تولید در حال وقوع است. وجود شرکت‌های چند ملیتی در بسیاری از کشورها تولید داخلی آن کشورها را به میزان چشم‌گیری افزایش داده‌اند. در سال ۱۹۹۳ بخش آماری سازمان ملل نیز رسماً معیار GDP را جایگزین GNP کرد. این البته به نظر می‌رسد نوعی هویت کاذب دادن به کشورهایی است که شرکت‌های چند ملیتی در آن کشورها جولان می‌دهند. با همین معیار است که امروزه بلوک غرب کشورهای شرق آسیا را به عنوان الگوهای موفق اقتصادی در چشم سایر ملت‌ها به رخ می‌کشد.
۱۷. درست مانند شرایطی که منحنی امکانات تولید در اقتصاد بتواند به جلو منتقل شود.
۱۸. جمهوری اسلامی ایران نیز از این امر مستثنی نبوده و در سند چشم‌انداز تعامل سازنده و موثر با جهان را آورده است.
۱۹. همان طور که نای در خصوص رابطه‌ی آمریکا و چین یادآور شده است :
آمریکا واردات چین را پذیرفته و بهای آن را با دلار می‌پردازد ، و چین دلارها و اوراق بهادار آمریکا را نگه می‌دارد، و عملاً به ایالات متحده وام می‌دهد.... چین می‌تواند با تهدید به فروش دلارها ، آمریکا را به زانو درآورد ، اما با انجام این کار ، چین نه تنها ارزش ذخایر خود را با سقوط قیمت دلار کاهش خواهد داد ، بلکه تمایل آمریکا را به ادامه‌ی واردات کالاهای ارزان چینی نیز به خطر خواهد انداخت که به معنی از دست رفتن مشاغل و بی‌ثباتی در چین خواهد بود (نای ، ص ۱۰۲)
- همچنین : « آلمان برای یک سوم گاز طبیعی خود به روسیه وابسته است ، اما دولت این کشور ادعا می‌کند نگرانی چندانی در این مورد ندارد، زیرا این وابستگی متقابل را متقارن می‌بیند. از نگاه آلمانیها، مشتریان کشور مزبور چنان گروه بزرگی هستند که درآمد روسیه با امنیت تقاضای آلمان بستگی دارد ، درست به همان میزانی که مشتریان آلمانی به امنیت عرضه روسیه وابسته هستند. (نای ، ۱۳۹۰ : ۱۲۰)
۲۰. بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۰/۰۲/۱۰.
۲۱. بیانات در حرم مطهر رضوی ، ۹۳/۰۱/۰۱

کتابنامه

بوزان، باری (۱۳۹۰). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ سوم، محل نشر: تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

پایگاه اینترنتی farsi.khamenei.ir

پیغامی، عادل (۱۳۹۳). درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری، چاپ اول، محل نشر: تهران، انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع).

رینجر، رابرت جی (۱۳۷۷). دولت در آینه واقعیت، ترجمه حسین حکیم زاده جهرمی، چاپ اول، محل نشر: تهران، نشر پژوهش فرزنان روز.

سیف، اله مراد (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی، ضرورت‌ها، نقشه راه و زمینه‌های اجرا، چاپ اول، محل نشر: تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.

سیف، اله مراد (۱۳۹۳). نقشه راه پیاده سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، چاپ اول، محل نشر: تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.

فریدمن، میلتن و رز (۱۳۷۸). آزادی انتخاب، ترجمه حسین حکیم زاده جهرمی، چاپ اول، محل نشر: تهران نشر پژوهش فرزنان روز.

لیست، فردریک (۱۳۷۰). نظام ملی اقتصاد سیاسی، ترجمه ناصر معتمدی، چاپ اول، محل نشر: تهران، شرکت سهامی انتشار.

نای، ژوزف ساموئل (۱۳۹۰). آینده قدرت، مترجم: دکتر رضا مراد صحرایی، چاپ اول، محل نشر: تهران، انتشارات حروفیه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی